



۴- عواطف انسانی- ترویج روحیه تسامح و تساهل - خدمت به خلق- آزادی - اعتقاد به بی ثباتی دنیا
۵- با انتقال قدرت از خراسان به مرکز ایران، زبان و ادبیات فارسی در عراق عجم نیز گسترش یافت و در حوزه‌های ری، فارس، همدان و اطراف آنها آثاری ارزشمند پدید آمد
۶- اندیشه و احساس
۷- سعدی / بوستان و گلستان
۸- مصنوع و دشوار / در شرح ظهور چنگیز، احوال و فتوحات او، تاریخ خوارزمشاهیان، فتح قلعه‌های اسماعیلیه و حکومت جانشینان حسن صباح نوشته شده است.
۹- بی اعتقادی برخی از ایلخانان مغول و بی تعصبی برخی دیگر نسبت به مذاهب رایج
۱۰- در نکته‌یابی و انتقادهای ظریف اجتماعی
۱۱- الف: ساده نویسی نمونه طبقات ناصری - مرصادالعباد ب: پیچیده نویسی (محتوا عمدتاً تاریخ حاکمان وقت) نمونه تاریخ و صاف - تاریخ جهانگشای جوینی
۱۲- دولتشاه سمرقندی / به تشویق امیر علیشیر نوایی

درس دوم - پایه‌های آوایی

تنظیم: رقیه افکاری مهربانی از ناحیه یک

منظور از پایه‌های آوایی، همان ارکان عروضی است؛ مانند:

مفاعیلن، فاعلاتن، مستفععلن، فعولن، فاعلن، فعلاتن، مفتعلن، مفاعلن، مفعولن، فعلن، فاعلات، مفاعیل، مستفعل، فعلات، مفعول، فعل، فع لن، فع و...

بنابراین، هدف این درس، آموزش تقطیع به ارکان است؛ اما نه به شیوه نوشتاری، بلکه به شیوه شنیداری. برای آموزش شنیداری پایه‌های آوایی (ارکان عروضی)، لازم است:

۱- تقطیع هجایی و انواع هجا یادآوری شود.

عنوان هجا	نحوه قرار گرفتن	نشانه	مثال
کوتاه	صامت + مصوت کوتاه	U	چو (چ)، که (ک)، و
بلند	الف) صامت + مصوت کوتاه + صامت	-	گل، سر، دل
	ب) صامت + مصوت بلند	-	پا، سی، مو
کشیده	الف) صامت + مصوت کوتاه + دو صامت	U -	برد، سبز، چهر
	ب) صامت + مصوت بلند + یک یا دو صامت	U -	دوست، آب، سیب

۲- پایه‌های آوایی (ارکان عروضی) یادآوری شود.

۳- برای هر یک از پایه‌های آوایی (ارکان عروضی) نمونه‌هایی هم‌وزن، تمرین و تکرار می‌شود؛ مثلاً:

همزمانی: فاعلاتن	رفته بودم: فاعلاتن	هماهنگی: مفاعیلن
سلامت: فعولن	بیچیدی: مفعول	سخندان: فعولن
مطابقت: مفاعلن	گفتم خوشا: مستفعلن	ای ساربان: مستفعلن
مرنجان: فعولن و...		



از دانش آموزان می‌خواهیم تا آن‌ها هم برای هریک از پایه‌های آوایی، نمونه یا نمونه‌هایی بیاورند.

آمده‌ام: مفتعلن	شکیبایی: مفاعیلن	نمی دانم: مفاعیلن
نگفتم: فعولن	نباید: فعولن	بشورم: فعولن
زمستان: فعولن	کجایی: فعولن	خوانده بودم: فاعلاتن
میتوانم: فاعلاتن	مزاحمت: مفاعیلن	سجاوندی: مفاعیلن

رفته باشی: فاعلاتن و....

*مهم‌ترین ارکان عروضی فارسی ۱۹ تاست که به ترتیب با آن‌ها آشنا می‌شوید.

الف) ارکانی، که در آغاز و میان و پایان مصراع می‌آیند:

- (۱) فاعلاتن U _ _
- (۲) فاعِلن _ U _
- (۳) مفاعیلن _ _ _ U
- (۴) فَعوُلن U _ _
- (۵) مُستَفعلِن U _ _
- (۶) مَفْعولِن _ _ _
- (۷) فَعَلاتِن _ _ U U
- (۸) فَعْلن U U _
- (۹) مَفاعِلن _ U _ U
- (۱۰) مُفْتَعْلن _ U U _
- (۱۱) فَع لِن _ _

ب) ارکان غیر پایانی، که در آخر مصراع قرار نمی‌گیرند. آخرین هجای هریک از این ارکان کوتاه است.

- (۱۲) فاعِلاتُ U _ U _
- (۱۳) فَعَلاتُ U _ U U
- (۱۴) مَفاعیلُ U _ _ U
- (۱۵) مُستَفعلُ U U _ _
- (۱۶) مَفْعولُ U _ _ U
- (۱۷) مَفاعِلُ U U _ U

ج) ارکان پایانی، که فقط در آخر مصراع می‌آیند:

- (۱۸) فَعْل U _
- (۱۹) فَع _

پس از تمرین و تکرار بسیار این گونه نمونه‌ها و تطبیق دادن شنیداری و نوشتاری آنها با پایه‌های عروضی، اکنون می‌خواهیم مصراع‌ها را متناسب با پایه‌های آوایی (ارکان عروضی) به صورت شنیداری، تقطیع کنیم و برای این کار لازم است:

۱- هر مصراع را درست بخوانیم.

۲- با توجه به آهنگ هر مصراع و درنگ‌های آن، مصراع را به صورت زبانی براساس یکی از پایه‌های آوایی (ارکان عروضی)، تقطیع نماییم؛ مثلاً: *مرنجان دلم را که این مرغ وحشی زبامی که برخاست مشکل نشیند

مَرَنجان (فعولن) دِلَم را (فعولن) که این مَر (فعولن) غِ وَحشی (فعولن)

ز بامی (فعولن) که بَرخاست (فعولن) ت مُشکل (فعولن) نِشیند (فعولن)



پایه‌های آوایی	مَ رَنَ جان/	دِ لَمَ را	کِ این/ مُر	غِ وَحَ شی
	زِ با می	کِ بَرِ خاس	تِ مَشِ کِل	نِ شی نَد
وزن واژه	فَعولُن	فَعولُن	فَعولُن	فَعولُن
خوشه‌های هجایی	- - U	- - U	- - U	- - U

*غمّت در نِهان خانۀ دل نشیند به نازی که لیلی به محمل نشیند

غمّت در (فَعولُن) نِهان خا (فَعولُن) نَه دل (فَعولُن) نشیند (فَعولُن)
به نازی (فَعولُن) که لیلی (فَعولُن) به محمل (فَعولُن) نشیند (فَعولُن)

پایه‌های آوایی	غَمَتِ دَر	نَ هانِ خا	نِ یِ دل	نِ شی نَد
	بِ نا زی	کِ لِ لِ	بِ مَحِ مِل	نِ شی نَد
وزن واژه	فَعولُن	فَعولُن	فَعولُن	فَعولُن
خوشه‌های هجایی	- - U	- - U	- - U	- - U

**هجای کوتاه ی به هجای بلند تبدیل می شود.

ای ساربان آهسته ران کارام جانم می رود وان دل که با خود داشتم با دلستانم می رود

ای ساربان (مستفعلن) آهسته ران (مستفعلن) کارام جا (مستفعلن) نم می رود (مستفعلن)
وان دل که با (مستفعلن) خود داشتم (مستفعلن) با دلستا (مستفعلن) نم می رود (مستفعلن)

پایه‌های آوایی	ای سا ر بان/	آ هس تِ ران/	کا را مِ جا	نَم می رَ وَد
	وانِ دِل کِ با	خُد دا شِ نَم	با دِل سِ تا	نَم می رَ وَد
وزن واژه	مستفعلن	مستفعلن	مستفعلن	مستفعلن
خوشه‌های هجایی	- U - -	- U - -	- U - -	- U - -

من مانده‌ام مهجور زو در مانده ورنجورازو گویی که نیشی دور ازو در استخوانم می رود

من مانده‌ام (مستفعلن) مهجور زو (مستفعلن) در مانده و (مستفعلن) رنجورزو (مستفعلن)
گویی که نی (مستفعلن) شی دورزو (مستفعلن) در استخا (مستفعلن) نم می رود (مستفعلن)

پایه‌های آوایی	مَن مانِ دِ آم	مَه جو رَ زو	دَر مانِ دِ وُ	رَن جو رَ زو
	گو یی کِ نی	شی دو رَ زو	دَر اُس تِ خا	نَم می رَ وَد
وزن واژه	مستفعلن	مستفعلن	مستفعلن	مستفعلن
خوشه‌های هجایی	- U - -	- U - -	- U - -	- U - -

می بینیم که مصراع‌ها همان گونه که خوانده می شوند، به پایه‌های آوایی، تقسیم می شوند؛ بنابراین باید بتوانیم بیت را درست و شیوا بخوانیم. اکنون بیت زیر را به پایه‌های آوایی آن، تقسیم می کنیم.

*محمل بدار ای ساربان، تندی مکن با کاروان / کز عشق آن سرو روان، گویی روانم می رود

محمل بدا: مستفعلن / ری سار بان: مستفعلن / تندی مکن: مستفعلن / با کاروان: مستفعلن
کز عشق آن: مستفعلن / سرو روان: مستفعلن / گویی ک جا: مستفعلن / نم می رود: مستفعلن



پایه‌های آوایی	مَح مِل بِ دا	رِی سا رِ با/	تُن دِی مَ کُن	با کا رِ وان/
وزن واژه	مستفعلن	مستفعلن	مستفعلن	مستفعلن
خوشه‌های هجایی	_ U _ _	_ U _ _	_ U _ _	_ U _ _
	کَز عِش قِ اَن	سَر وِ/ رِ وان/	گو یِی کِ جا	نَم می رِ وَد

*** هجای کوتاه و به هجای بلند تبدیل می شود. اکنون به نمونه‌های زیر و چگونگی شکل‌گیری پایه‌های آوایی و نظم آنها توجه کنید.

۱- هر که چیزی دوست دارد، جان و دل بر وی گمارد هر که محرابش تو باشی، سر ز خلوت برنیارد

پایه‌های آوایی	هَر کِ چی زی	دوست دا رَد	جانُ دِل بَر	وی گُ ما رَد
وزن واژه	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن
خوشه‌های هجایی	_ U _ _	_ U _ _	_ U _ _	_ U _ _
	هَر کِ مِج را	بَش تُ با شی	سَر زِ خَل وَت	بَر نَ دا رَد

۲- بلبلی برگ گلی خوش‌رنگ در منقار داشت و اندر آن برگ و نوا خوش ناله‌های زار داشت

پایه‌های آوایی	بُل بُ لی بَر	گِ گِ لی خُش	رَن گِ دَر مِین	قار داشت
وزن واژه	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن
خوشه‌های هجایی	_ U _ _	_ U _ _	_ U _ _	_ U _ _
	وَن دَ ران/ بَر	گُ نَ وا خُش	نا لِ ها یِ/	زار داشت

*** هجای کوتاه (ی) به هجای بلند تبدیل می شود.

۳- ز کوی یار می‌آید نسیم باد نوروزی از این باد ار مدد خواهی چراغ دل برافروز

پایه‌های آوایی	زِ کوی/ یا	ر می آید	نَ سی مِ/ با	دِ نو رو زی
وزن واژه	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن
خوشه‌های هجایی	_ U _ _	_ U _ _	_ U _ _	_ U _ _
	اَ زین/ با دَر	مَ دَد خا هی	چِ را غِ/ دل	بَ رَف رو زی

۴- الهی سینه‌ای ده آتش افروز در آن سینه دلی و آن دل همه سوز

پایه‌های آوایی	اِ لا هی سی	نِ ای دِه آ	تَ شَف روز
وزن واژه	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن (فعلولن)
خوشه‌های هجایی	_ U _ _	_ U _ _	_ U _ _
	دَ ران/ سی نِ/	دِ لی وان/ دِل	هَ مِ/ سوز

۵- خدایا تودانی که بر ما چه آمد خدایا تودانی که ما را چه می‌شد



پایه‌های آوایی	خُ دا یا	تُ دا نی	کِ بر ما	چِ آ مد
	خُ دا یا	تُ دا نی	کِ ما را	چِ می شد
وزن واژه	فَعولُن	فَعولُن	فَعولُن	فَعولُن
خوشه‌های هجایی	- - U	- - U	- - U	- - U

خدایا ز عفوم مکن ناامید

۶- بضاعت نیاوردم آلا امید

پایه‌های آوایی	بِ ضا عَت	نَ یا وَر	دَ مِلِ لا	أُ مید
	خُ دا یا	زِ عَفِ وَم	مَ کُنِ نا	أُ مید
وزن واژه	فَعولُن	فَعولُن	فَعولُن	فَعَل
خوشه‌های هجایی	- - U	- - U	- - U	- U

۷- یار توئی غار توئی خواجه نگهدار مرا

یار توئی غار مرا عشق جگر خوار مرا

پایه‌های آوایی	یار مَ را	غار مَ را	عِشِ قِ جِ گر	خار مَ را
	یار تُ بی	غار تُ بی	خا جِ نِ گه	دا ر مَ را
وزن واژه	مفتعلن	مفتعلن	مفتعلن	مفتعلن
خوشه‌های هجایی	- U U -	- U U -	- U U -	- U U -

خودارزیابی درس دوم:

۱- با خوانش درست ابیات، مرز پایه‌های آوایی یا ارکان آن را مشخص کنید و هر پایه را در خانه خود قرار دهید:

الف) ای خوش منادی‌های تودرباغ شادی‌های تو برجای نان شادی خوردجانی که شد مهمان تو مولوی

پایه‌های آوایی	ای خُش مَ نا	دی‌ها یِ تُ /	دَرِ با غِ شا	دی‌ها یِ تُ
	بَرِ جا یِ نا	شا دی خُ رَد	جا نی کِ شُد	مه ما نِ تُ
وزن واژه	مستفعلن	مستفعلن	مستفعلن	مستفعلن
خوشه‌های هجایی	- U - -	- U - -	- U - -	- U - -

ب) دلم را داغ عشقی بر جبین نه

زبانم را بیانی آتشین ده

وحشی بافقی

پایه‌های آوایی	دِ لِمِ را دا	غِ عِشِ قِ بَر	جَ بَیْنِ نه
	زَ با نِمِ را	بَ یا نی آ	تَ شَیْنِ ده
وزن واژه	مفاعیلن	مفاعیلن	فَعولُن
خوشه‌های هجایی	- - - U	- - - U	- - U

پ) اسیرش نخواهد رهایی ز بند

شکارش نجوید خلاص از کمند

سعدی



پایه‌های آوایی	اَ سی رَش	نَ خا هَد	رَ ها یی	زِ بَند
	شِ کا رَش	نَ جو یَد	خَ لا صَز	کَ مَند
وزن واژه	فَعولُن	فَعولُن	فَعولُن	فَعَل
خوشه‌های هجایی	- - U	- - U	- - U	- U

(ت) عنکبوتی را به حکمت دام داد صد ر عالم را در او آرام داد عطار

پایه‌های آوایی	عَن کَ بو تی	را بِ حِک مَت	دام	داد
	صَد رِ عا لَم	را دَ رو آ	رام	داد
وزن واژه	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلن	
خوشه‌های هجایی	- - U -	- - U -	- U -	

(ث) بیا تا گل برافشانیم و می در ساغر اندازیم فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو در اندازیم حافظ

پایه‌های آوایی	بِ یا تا گُل	بَ رَفِ شا نی	مُ می دَر سا	غَ رَن دا زیم
	فَ لَکِ را سَق	فِ پِشِ کا فی	مُ طَرَحِی نُو	دَ رَن دا زیم
وزن واژه	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن
خوشه‌های هجایی	- - - U	- - - U	- - - U	- - - U

۲- با خوانش درست بیت ها، رکن‌های آن را مشخص کنید، سپس خانه‌هایی به تعداد آن، طراحی نموده، هر رکن را در خانه خود جای دهید.

الف) یارب از عرفان مرا پیمانه‌ای سرشار ده چشم بینا، جان آگاه و دلی بیدار ده صائب

پایه‌های آوایی	یا رَ بَزِ عِر	فانِ مَ را پی	ما نِ ای سَر	شارِ دِه
	چَ شِ مِ بی نا	جا نِ آ گا	هَ دِ لی بی	دا رِ دِه
وزن واژه	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلن
خوشه‌های هجایی	- - U -	- - U -	- - U -	- U -

ب) مکن پیش دیوار غیبت بسی بود کز پشش گوش دارد کسی سعدی

پایه‌های آوایی	مَ کُنِ پی	شِ دی وا	رِ غِی بَت	بَ سی
	بُ وَدِ کَز	پَ سَشِ گو	شِ دا رَد	کَ سی
وزن واژه	فَعولُن	فَعولُن	فَعولُن	فَعَل
خوشه‌های هجایی	- - U	- - U	- - U	- U

پ) باران اشکم میدود وز ابرم آتش می جهد با پختگان گو این سخن، سوزش نباشد خام را سعدی



پایه‌های آوایی	با را نِ آش	گم می دَ ود	وَز اَب رَ ما	تَش می جَ هَد
	با یُخ تِ گان	گو این سِ خن	سو زِش نَ با	شَد خا م را
وزن واژه	مستفعلن	مستفعلن	مستفعلن	مستفعلن
خوشه‌های هجایی	- U - -	- U - -	- U - -	- U - -

(ت) هر کسی را سیرتی بنهاده ام هر کسی را اصطلاحی داده ام مولوی

پایه‌های آوایی	هَر کَ سی را	سی رَ تی پِن	ها دِ اَم
	هَر کَ سی را	اِص طِ لا حی	دا دِ اَم
وزن واژه	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعِلن
خوشه‌های هجایی	- U - -	- U - -	- U - -

(ث) مرا گه گه به دردی یاد می‌کن که دردت مرهم جان می‌نماید فخرالدین عراقی

پایه‌های آوایی	مَ را گَ گَ گَ	بِ دَر دی یا	دِ می گُن
	کِ دَر دَت مَر	هَ مِ جانِ می	نُ ما یَد
وزن واژه	مفاعیلن	مفاعیلن	فَعولُن
خوشه‌های هجایی	- U - -	- U - -	- U - -

۲- با توجه به آهنگ بیت‌های داده شده، با ذوق خود، پایه‌های آوایی مناسب (غیر از واژه‌های بیت) را تولید کنید و آن را در خانه‌های خالی بنویسید .

(الف) من که دارم در گدایی گنج سلطانی به دست کی طمع در گردشِ گردونِ دون پرور کنم حافظ

پایه‌های نازوای

رخت دیوانی

پایه‌های آوایی	مَن کِ دا رَم	دَر گِ دا یی	گَن جِ سُل طا	نی بِ دست
	کی طَمَع دَر	گَر دِ شِ گَر	رَخ تِ دی وا	
		پا یِ ها یِ	دو نِ دو نِ پَر	وَر کُ اَنَم
		نا رَ وا یِ		
وزن واژه	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعِلن
خوشه‌های هجایی	- U - -	- U - -	- U - -	- U - -

* هجاهای کوتاه (شِ)، (یِ) به هجای بلند تبدیل می‌شوند .

اخوان ثالث

حسابت را کنار جام بگذارم

(ب) من امشب آمدستم وام بگذارم

که شاید تا

آفرین بر تو همی گویم

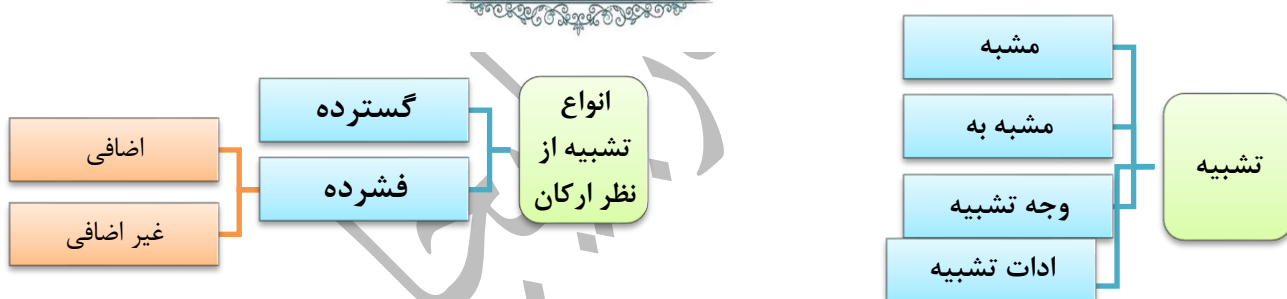
پایه‌های آوایی	مَ نِمِ شَبِّ آ مَ نِمِ شَبِّ آ	مَ دَسِ تَمِ وا فَ رِینِ بَرِ ت/ا	م بُگِ زا رَم هَ می گو یَم
وزن واژه	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن
خوشه‌های هجایی	U - -	U - -	U - -

۴- پیامدهای حمله مغول را بر زبان فارسی در قرن هفتم بررسی کنید.

وضیعت زبان و ادبیات فارسی در این دوره، مثل بسیاری از دانش‌های دیگر، با دوره‌های پیش از خود متفاوت شد و به نوعی دچار سستی و نابسامانی گردید؛ چرا که بسیاری از دانشمندان و ادیبان کشته و یا متواری شدند و دیگر از دربارهای ادب‌دوست و خاندان‌های فرهنگ‌پرور خبری نبود؛ اما در کنار این عوامل مخرب و منفی، در این دوره عوامل مثبتی نیز وجود داشت که رشد زبان و ادبیات و اعتبار ادیبان و اندیشمندان را موجب شد. با انتقال قدرت از خراسان به مرکز ایران، زبان و ادبیات فارسی در ناحیه عراق عجم گسترش یافت و در حوزه‌های ری، فارس، همدان و اطراف آن‌ها آثار ارزشمندی پدید آمد و در زمینه‌هایی برای تغییر سبک از خراسانی به عراقی ایجاد شد. در این زمان قالب‌های جدیدی نیز در شعر و نثر پدید آمد.

تنظیم: فریبا ابراهیم زاده از گوگان

درس سوم تشبیه



شعر با عاطفه و خیال در زبانی آهنگین شکل گرفته است. شاعر و نویسنده در توصیف زندگی و پیرامون آن بیان متفاوتی دارند. در بیان آن در زبان، از آرایش‌های لفظی و معنوی و عناصر علم بیان به شکل گوناگون بهره می‌برند. آنها برای بیان باریدن باران و طلوع خورشید ظرافت‌های زیرکانه و هنرمندانه را به جای بیان ساده و عادی به کار می‌برند.

بهاران که شاباش ریزد سپهر به دامان گلشن ز رگبارها (توصیف بارش باران).

سحر چون خسرو خاور علم بر کوهساران زد (توصیف طلوع خورشید).

شیوه‌های گوناگونی شاعران و نویسندگان، برای آفرینش تخیل و بیان معنا به کار می‌برند که مهمترین آنها چهار آرایه **تشبیه**، **مجاز**، **استعاره** و **کنایه** هستند و این آرایه‌ها در حوزه علم بیان بررسی می‌شوند.

آرایه تشبیه، مهم‌ترین عنصر خیال و تصویرسازی در شعر پارسی است. تشبیه ریشه در نوع نگاه و تفکر نویسنده دارد. آنچه موجب زیبایی تشبیه می‌شود وجه شباهتی است که شاعر یا نویسنده به آن پی برده است. در تشبیه، نویسنده با تخیل خودش می‌کوشد میان چند چیز به ظاهر بی‌ارتباط، شباهت و پیوندی ایجاد کند و با این کار شنونده را به شگفتی وا دارد.